

اشعاری نویافته از عنصری بلخی

ندا حیدرپور نجف‌آبادی*

چکیده

در این مقاله با بهره‌گیری از رساله فی علم البدیع، در مجموعه ۴۰۰۰ کتابخانه ایاصوفیا، ۵۱ بیت از عنصری که در دیوان‌های چاپی و دیگر منابع در دسترس نگارنده موجود نیست، ارائه می‌شود. یک بیت دیگر هم در المعجم، بدون ذکر نام شاعر، نقل شده است که از رساله فی علم البدیع می‌توان نام شاعر آن شعر را یافت. همچنین در نسخه یادشده، سه بیت از قصیده‌ای در مدح ابوسهل احمد حسن حمدوی، که ممدوح فرخی نیز بوده است، وجود دارد. پس، یکی از ممدوحان عنصری بوسهل حمدوی بوده است که در دیوان او، شعری در مدح وی دیده نمی‌شود و بدیهی است که در پژوهش‌های مبتنی بر دیوان‌های چاپی نیز، نام این شخص ملاحظه نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: اشعار نویافته، رساله فی علم البدیع، عنصری، ابوسهل حمدوی

مقدمه

امروز دیوان عنصری بلخی (د. ۴۳۱ق)، شاعر دربار غزنوی، را در اختیار داریم، اما بی‌گمان این دیوان شامل همه اشعار او نیست. نسخه‌های موجود از دیوان این شاعر نسبت به زمان حیات او بسیار جدید هستند؛ یعنی، قدیم‌ترین آن‌ها از قرن یازدهم هجری هستند که تعداد آن‌ها، مثلاً، از نسخه‌های قرن سیزدهم هجری بسیار کم‌تر است (درایتی، ۱۳۹۱: ۶۳۲/۱۵-۶۳۷). قدیم‌ترین نسخه‌های تاریخ‌داری که یحیی قریب از آن‌ها بهره برده، متعلق به قرن سیزدهم هجری است (قریب، ۱۳۴۱: ۳۲-۳۴). همچنین چاپ دبیرسیاقی مبتنی بر مجمع القصاید، فراهم‌آورده تقی‌الدین محمد الحسینی است که در سال‌های ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸ق تحریر یافته است (دبیرسیاقی، ۱۳۶۳: نُه). نیز این نسخه‌ها دربرگیرنده تمامی اشعار عنصری نیستند (درایتی، ۱۳۹۱: ۶۳۲/۱۵-۶۳۷). حتی برخی قصاید موجود در دیوان شاعر قبلاً صورت کامل‌تری داشته‌اند ولی بعدها پاره‌ای از ابیات آن‌ها مفقود شده است.

گذشته از دیوان‌های خطی، از عنصری ابیاتی به‌طور پراکنده در جُنگ‌ها، تذکره‌ها و به شکل شاهد مثال در فرهنگ‌های لغت و کتاب‌های ادبی موجود است. بنابراین، با توجه به نبود نسخه کاملی از دیوان عنصری، منابع یادشده می‌توانند جزو منابع مورد استفاده در تکمیل آن باشند. برای نمونه، دبیرسیاقی برای فراهم آوردن اشعار عنصری از منابعی در ادب، تاریخ، تذکره و لغت هم بهره برده است (عنصری، ۱۳۴۲؛ ۱۳۶۳).

از دیوان عنصری چندین چاپ سنگی (بمبئی، ۱۳۲۰ق، ۱۳۲۱ق؛ لکهنو، ۱۹۲۲م) در دست است (مشار، ۱۳۵۱: ۲۳۴۴/۲-۲۳۴۵). به علاوه، دو تصحیح از آن در ایران صورت گرفته که نخستین آن‌ها در ۱۳۲۳ به همت یحیی قریب انجام گرفت. چاپ دوم این تصحیح در ۱۳۴۱ منتشر شد. سپس تصحیح دیگری به اهتمام دبیرسیاقی نخست در ۱۳۴۲، و سپس در سال ۱۳۶۳ انتشار یافت.

عنصری علاوه بر دیوان شعر، سه مثنوی با نام‌های شادبهر و عین الحیاة، وامق و عذرا و خنگ بت و سرخ بت نیز داشته است (عوفی، ۱۹۰۳: ۳۲/۲)، که امروز متن کاملی از آن‌ها

موجود نیست ولی برخی از ابیات آن‌ها به‌طور پراکنده در منابعی مانند لغت فرس موجود است. تنها چند برگ از نسخهٔ مثنوی وامق و عذرا به‌طور اتفاقی به‌عنوان مقوای جلد یک نسخه، توسط محمد شفیع کشف شد، که پاره‌ای از کلمات و عبارات آن نیز محو شده بود و محمد شفیع با صرف زمان بسیار و کوشش فراوان موفق به تصحیح ابیات موجود آن نسخه (۳۷۲ بیت) شد. همچنین چاپ او دارای ضمیمه‌ای است از ابیات دیگر که از برخی منابع لغوی و ادبی به دست آمده است (عنصری، ۱۹۶۷م).

پیشینه پژوهش

یکی از مقالاتی که در آن چند قصیدهٔ بازیافته از عنصری نقل شده، مقالهٔ یحیی قریب است. بنا به گفتهٔ او، نسخه‌ای خطی از هفت قصیده متعلق به عنصری در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران (به شمارهٔ ۳۱۹۲) مضبوط است، که در هیچ‌یک از دیوان‌های خطی و چاپی عنصری موجود نیست^۱ (قریب، ۱۳۵۳: ۱۲۵). البته قریب تنها دو قصیدهٔ نخستین از این مجموعهٔ کوتاه را در مقالهٔ خود ثبت کرده و در واقع پژوهشگران را به این نسخه ارجاع داده است. دبیرسیاقی ضمن اشاره به مقالهٔ قریب در توضیح آغازین چاپ دوم کتابش، این هفت قصیده را در چاپ دوم دیوان عنصری (۱۳۶۳) وارد کرده است.^۲

جواد بشری با بهره‌گیری از چند مأخذ کهن، ابیاتی فارسی از سدهٔ چهارم و اوایل سدهٔ پنجم یافته است که در میان آن‌ها، بیتی نو از مثنوی شادبهر و عین الحیاة به چشم می‌خورد که در نسخهٔ رسائل العشاق سیفی نیشابوری آمده است. از نظر بشری، این بیت عنصری

۱. طبق اشارهٔ حسین‌علی باستانی‌راد در ابتدای نسخه (۱۹ آبان ۱۳۲۴ ش)، «این قصائد را میرزا شفیع صاحب‌دیوان در کتابخانهٔ اردبیل یافته و استنساخ نموده و محمودخان ملک‌الشعرا آن را به خط خود نوشته و به یکی از شاهزادگان تقدیم کرده است». باستانی‌راد دو قصیده را یک قصیده تلقی کرده و در نتیجه شمار قصاید را - به‌خلاف آنچه در عنوان نسخه آمده - شش دانسته است.

۲. قصاید ۶، ۱۷، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۶۲ و ۶۹ در چاپ دوم دبیرسیاقی. البته دبیرسیاقی در توضیحات چاپ دوم کتابش، اشاره کرده است که قصیدهٔ شمارهٔ ۶۲ را خود او در چاپ اول از مجمع القصاید نقل کرده بوده و در این چاپ، تنها به مقابلهٔ این قصیده در دو منبع و ضبط اختلافات آن‌ها پرداخته است (دبیرسیاقی، ۱۳۶۳: ۲۷۲-۲۷۶).

حائز اهمیتی چندگانه است. یکی صرف وجود بیت دیگری از منظومه یادشده است؛ دیگر آن که وزن منظومه عنصری کاملاً روشن می شود و حدس پیشین درباره تعلق ابیات موجود در لغت فرس به منظومه عنصری، بر مبنای یک سند کاملاً موثق تأیید می گردد. وجه دیگر اهمیت آن عنوان منظومه است که در کتاب سیفی نیشابوری به شکل عین الحیات و شادبهر و متفاوت با صورت مندرج در کتاب عوفی است (بشری، ۱۳۹۸: ۱۲۶-۱۲۷؛ بشری، ۱۳۹۹: نوزده). بیت یادشده این است:

این حدیث سکندر رومیست که حریمی نشان محرومیست
(بشری، ۱۳۹۸: ۱۳۵؛ سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۱۸۰)

درباره نسخه شماره ۴۰۰۰ کتابخانه ایاصوفیا

نسخه شماره ۴۰۰۰ کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)، شامل دو رساله در بدیع و عروض است که در ابتدای نسخه به شکل رساله فی علم البدیع و فی علم العروض آمده، و نام مؤلف آن در همان برگ «مولانا فتاحی نیشابوری سیبکی» نوشته شده است؛ در ادامه به درستی یا نادرستی این انتساب خواهیم پرداخت.

نویسنده در آغاز کتاب می گوید که چون در فن بدیع نسخه ای فارسی بهتر از حدائق السحر نساخته اند، نسخه او مشتمل بر مضامین این کتاب و صنایع دیگری است که در حدائق نیست. به طور کلی این متن از لحاظ بلاغی متن قابل اعتنایی است. نویسنده ابتدا وجوه معنوی و سپس وجوه لفظی کلام را تعریف کرده و طبعاً متناسب با صنایع از اشعار فارسی بهره برده است. برخی از شاعرانی که به شعرشان استشهاد شده عبارت اند از: دقیقی، عنصری، غضایری، مختاری، سنایی، انوری، خاقانی، عطار، کمال اسمعیل، مولوی، عراقی، ابن یمن، عبید زاکانی و سلمان. نویسنده در ادامه، اجمالاً و جداگانه (در سه برگ) به مباحث علم «بیان» پرداخته است. بخش آخر این مجموعه، رساله ای در عروض، مختصرتر از بخش نخست است.

محمدتقی حسینی در معرفی این نسخه به این نکات اشاره کرده است: مجموعه ای با دو

اثر از محمد یحیی بن سبیک مشهور به فتّاحی نیشابوری (د. ۸۵۲ق) که نخستین مختصر در فن بدیع و دومی رساله فی علم عروض است. در واقع حسینی نام رساله نخست را با توجه به اشاره نویسنده در مقدمه (این مختصر) و خاتمه (تمّ المختصر) مشخص کرده است. ممکن است «مختصر» نام این رساله یا صرفاً توصیفی برای آن باشد. برخی اطلاعات دیگری که از توضیحات حسینی به دست می‌آید چنین است: خط نستعلیق، با یادداشت وقف سلطان محمود عثمانی و مهر همین سلطان و شیخ احمدزاده مفتّش اوقاف حرمین... (حسینی، ۱۳۹۰: ۵۰۳). قره‌بلوط و طوران نام اثر و نویسنده آن را مطابق یادداشت آغاز نسخه ثبت کرده‌اند (قره‌بلوط و طوران، ۲۰۰۱م: ۳۹۱۷). نگارنده جز همین اشارات آغاز نسخه که نمی‌توان بر آن تکیه کرد، اطلاع دیگری از این کتاب به دست نیاورد. در خود متن هم ذکری از نویسنده نیست و قرآینی برای کشف آگاهی‌ای در این زمینه وجود ندارد.

اما درباره انتساب این متن به سبیک نیشابوری باید گفت که در منابع اشاره‌ای به آثار غیرهنری او - اگر چنین تألیف یا تألیفاتی داشته - نشده است. تنها در برخی تذکرها به چیرگی او در عروض و صنایع شعری و حتی مبالغه او در استفاده از این صنایع در شعر، اشاره‌هایی شده است. برای نمونه در مجالس النفاثس آمده است که: «در جمیع علوم ماهر بوده و فضل او بر همه کس ظاهر و در فن عروض مسلّم و مشهور در میان جمهور» (نوائی، ۱۳۶۳: ۱۸۸). در تذکرة الشعراء چنین بیان شده که «او مرد فاضل و در اکثر علوم صاحب وقوف بود... در صنایع شعر مبالغه دارد که بی آن سخنوری نمی‌کند» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۱۷).

برای یافتن اطلاعات بیشتر درباره این کتاب به فهرست‌های نسخ خطی مراجعه شد تا با

۳. در اغلب منابع سال ۸۵۲ق به عنوان تاریخ درگذشت سبیک نیشابوری ثبت شده است (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۱۸؛ اوحدی بلبانی، ۱۳۸۹: ۳۱۹۴/۵؛ نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۹۹/۱ و...). در ریاض الشعراء سال ۸۵۳ق برای آن گزارش شده است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱۱/۳) حاجی خلیفه در ذکر مؤلفان کتاب‌هایی با عنوان حسن دل [حسن و دل] نخست از فتّاحی یاد می‌کند و تاریخ وفات او را ۸۵۳ق گزارش می‌کند (حاجی خلیفه، بی‌تا: ۶۶۶/۱). اما همو در معرفی شبستان خیال تاریخ درگذشت سبیک را ۸۵۲ق ثبت کرده است (همان: ۱۰۲۷/۲).

احتمال یافتن آثار قطعی سیبک نیشابوری در حوزه بدیع یا عروض، امکان مقایسه آنها با نسخه حاضر فراهم شود. منزوی (۱۳۴۹: ۳/ بخش ۲۱۶۴/۱) رساله‌ای از فتّاحی را با نام عروض یا تجنیسات ذکر، و دو نسخه آن را معرفی کرده است، یکی از این دو نسخه در موزه بریتانیا (Or7765) و دیگری در کتابخانه طوقایی سرای استانبول (A.3574) نگهداری می‌شود، که فهمی ادهم قرطای آن را معرفی کرده است (Karatay, 1961: 121). با رجوع به نسخه دیگری از متن تجنیسات - موجود در کتابخانه نورعثمانیه به شماره ۴۹۱۳ - می‌توان دریافت که کوچک‌ترین اشتراکی بین این دو متن نیست و صنایع مطرح در تجنیسات شباهتی با صنایع ذکرشده در نسخه مورد مطالعه ندارد. حتی از نظر شیوه نگارش این دو متن هیچ شباهتی به هم ندارند. از جمله آن‌که فتّاحی مقدمه مسجّع و نسبتاً مبسوطی بر تجنیسات نوشته و در خطبه کتاب به نام خود اشاره کرده است. بنابراین این دو متن ارتباطی با هم ندارند و تفاوت زیاد نگارش آن دو، پذیرش این‌که این دو متن توسط یک فرد تألیف شده باشد را با تردید بسیاری همراه می‌سازد.

برای تخمین تاریخ تألیف کتاب می‌توان از تاریخ حیات شاعرانی که به شعرشان استناد شده است، بهره برد. در متن، اشعار شاعران بعد از قرن هشتم ملاحظه نمی‌شود و شاید جدیدترین آن‌ها کمال خجندی باشد، که در اواخر قرن هشتم یا به قولی در اوایل قرن نهم درگذشته است.^۴ بر این اساس، منطقی می‌نماید که متن را از قرن نهم یا اندکی پس از آن بدانیم. در این صورت می‌توان گفت در این زمان، نسخه‌ای از دیوان عنصری در اختیار نویسنده بوده که کامل‌تر از نسخه‌های جدیدتر بوده است و یا دست‌کم اشعاری داشته که در سایر نسخه‌های مورد استفاده مصححان عنصری نبوده است.

۴. سال وفات او را منابع معتبر مانند جامی و خواندمیر ۸۰۳ق نوشته‌اند (جامی، ۱۳۷۰: ۶۱۰؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۴۹/۳)، ولی کسانی مانند دولتشاه و احوالدین بلیانی آن را سال ۷۹۲ق دانسته‌اند (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۲۹؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۵۶۶/۶). در برخی منابع به شکل ۷۹۳ق و ۸۰۸ق نیز آمده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۶۱/۹). نفیسی (۱۳۶۳: ۲۱۱/۱) نیز دو تاریخ ۷۹۲ق و ۸۰۳ق را به عنوان تاریخ درگذشت او ذکر کرده است. اما صفا معتقد است تاریخ‌های پیش از ۷۹۸ق درست نیست زیرا به تصریح جامع دیوانش در این سال حیات داشته است (صفا، ۱۳۶۹: ۱۱۳۳/۳).

درباره اشعار عنصری و ممدوحان او در «رسالة فی علم البدیع» یا «مختصر در فن بدیع» نویسنده، به روش مرسوم، در توضیح و تبیین صنایع ادبی از شواهد شعری بهره برده و در این میان، تعداد اشعار نقل شده از عنصری قابل توجه است. لازم به ذکر است که در بخش عروض این نسخه، شمار ابیات بسیار کمتر است و از عنصری نیز شعری دیده نمی‌شود.^۵ با رجوع به پیکره‌های دیجیتال موجود و همچنین آخرین نسخه دو دیوان چاپی، این نتیجه به دست آمد که بیشتر ابیات نقل شده در رساله، در دیوان عنصری موجود نیستند. همچنین پیکره‌های موجود از متون چاپی فارسی نشان می‌دهد که این اشعار به نام عنصری یا به نام شاعر دیگری در منابع دیگر نظیر تذکره‌ها نیامده است. بنابراین همواره این احتمال هست که در منابع خطی دیگر یا، به احتمال کمتر، در منابع وارد نشده در پیکره‌ها، این ابیات یا بخشی از آنها موجود باشد.

در این رساله مجموعاً ۶۳ بیت از عنصری نقل شده است که ۵۲ بیت آن در دو دیوان چاپی عنصری دیده نمی‌شود. ۵۱ بیت از این ۵۲ بیت در نرم‌افزارها و پیکره‌های در دسترس نگارنده نیز یافت نشد. این ابیات نه از مثنوی‌های عنصری، بلکه از قصاید اوست که به صورت ۲۲ تک بیت، ۴ دو بیت، ۱ سه بیت، ۱ پنج بیت و در نهایت ۱۳ بیت از یک قصیده آمده است. البته یک بیت باقی مانده، نه در دیوان، بلکه در المعجم و بدون اشاره به نام شاعر بیان شده است (رازی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). از میان متون نشر چاپی نگارش یافته تا سال ۷۰۰ هجری، این بیت تنها در المعجم نقل شده است (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵: ۲/۱۲۶۰):

روزم سیاه چرا گر تو سیاه خطی اشکم عقیق چرا گر تو عقیق لبی
(گ ۱۹)

بنابراین با این اشاره مؤلف می‌توان دریافت که شاعر شعر یادشده در المعجم، چه کسی است.

بدین ترتیب، یازده بیت باقی مانده در دیوان عنصری موجود است و این مؤید صحت انتساب سایر اشعار به عنصری است؛ مخصوصاً که این شعرها در پیکره‌ها به نام شاعر

۵. جز همان بیت نقل شده در المعجم که در این بخش به نام شاعر آن هم اشاره نشده است.

دیگری ثبت نشده است. ضبط ایبات یادشده یا تفاوتی با ضبط ایبات در دیوان چاپی ندارد یا تفاوتشان بسیار است. برای نمونه، دو بیت زیر نقل می‌شود:

روز هر روزی بیفزاید چو قدر شهریار بوستان چون قدر او هر روز برناتر شود^۶
(گ ۵۲)

دود چنانکه دود گوی در خم چوگان جهد چنانکه جهد یوز شرزه وقت شکار^۷
(گ ۱۳)

نام ممدوح شاعر در برخی از این اشعار ذکر شده و در برخی دیگر ذکر نشده است. طبعاً بیشتر اشعار در مدح سلطان محمود غزنوی است. پس از آن - به ترتیب شمار ایبات در این نسخه - در مدح ابوالمظفر نصر بن ناصرالدین، احمد حسن میمندی، احمد بن حسن الحمدوی^۸ و سلطان مسعود غزنوی. در معرفی و ضبط نام حمدوی، علامه قزوینی چنین گفته است:

از امراء سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی، ما قبل یاء آخر کلمه همزه است نه نون... عنوان ترجمه ثعالبی از او در تامة الیتیمه چنین است: الشیخ العمید ابوسهل احمد بن الحسن الحمدوی^۹ (قزوینی، ۱۳۶۳: ۱۶۱/۴-۱۶۲؛ نقل از عبدعلی، ۱۳۷۲: ۵۷۰/۵).

۶. روز هر روزی بیفزاید چو قدر شهریار شب چو عمر دشمنان او همی کمتر شود
در پاورقی از «م» و «نج»: بوستان چون بخت او هر روز برناتر شود؛ «نج» دیگر: ... خرم‌تر شود (عنصری، ۱۳۶۳: ۲۴).

۷. در دیوان بدین شکل است و منقول از نسخه «م»:
رود چنانکه رود گوی روزگار از کف جهد چنانکه جهد یوز شرزه روز شکار
(عنصری، ۱۳۶۳: ۱۴۴)

۸. مطابق ضبط نسخه.

۹. مهم‌ترین منبع برای شرح حال این شخص، تاریخ بیهقی است. در منابع دیگری نظیر سلجوق‌نامه (نیشابوری، ۲۰۰۴م: ۹-۱۰)، راحة الصدور (راوندی، ۱۳۳۳: ۹۴)، جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق) (همدانی، ۱۳۸۶: ۹)، حبیب السیر (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۹۱/۲-۳۹۲) و ... نیز به او اشاره رفته است. همچنین دو مقاله مستقل به نام او نوشته شده است (یوسفی، ۱۳۵۷: ۱۰۵۳/۸-۱۰۵۴؛ عبدعلی، ۱۳۷۲: ۵۷۰/۵-۵۷۲).

ثعالبی همچنین در یتیمۃ الدّهر، در ذکر ترجمۃ ابوالفتح مظفر بن الحسن الدلیغانی (ثعالبی، ۱۴۲۰ق: ۲۷۸/۵-۲۷۹) و علی بن حسن قهستانی (همان: ۲۶۵)، شعرهای ایشان در مدح ابوسهل را ذکر کرده، که در آن‌ها، نام ممدوح به صورت حمدوی ضبط شده است. فرّخی نیز سه شعر در مدح ابوسهل دارد (فرّخی، ۱۳۴۹: ۳۴۰-۳۴۲، ۳۹۸-۴۰۱) که در آن‌ها نام او به شکل حمدوی آمده و در یکی از اشعار در جایگاه قافیه است (همان: ۴۰۰).

در چاپ‌های موجود دیوان عنصری، اشاره‌ای به نام ابوسهل حمدوئی/حمدویی یا حمدوی نشده است، زیرا اشعاری که در آن به نام این ممدوح اشاره شده، در نسخه‌های مورد استفاده مصححان نبوده است.

اشعار نویافته عنصری

در اینجا اشعار نویافته عنصری به ترتیب قافیه همراه با صنعت ادبی مربوط به آن‌ها، و نیز پاره‌ای اطلاعات موجود درباره نام ممدوح نقل می‌شود.

(در غلو):

گر نورِ رخ و بوی دو زلفش بفزاید این ماه سما گردد و آن عنبرِ سارا
(گ ۱۳پ)

(در عکس و تبدیل) در مدح سلطان محمود و وصف پیل او:

ایرست به باد اندر و بادست به هامون صحراست به کوه اندر و کوهست به صحرا
(گ ۶پ)

(در لَفّ و نشر):

موی و رخسار و غمزه و لب او شب و روز آمده‌ست و درد و شفا
(گ ۸-۸پ)

(در تقسیم):

چو رای بزم کند، بزم او همه طرب است چو رای رزم کند، رزم او همه ظفر است
(گ ۱۱پ)

(در لَفّ و نشر) در مدح نصر بن ناصر الدین:

حکیم را و ستاینده^{۱۰} را و دشمن را
سخن گزار شد و حق گزار و نیزه گزار^{۱۱}
(گ ۸ر)

(در استتباع) در مدح نصر بن ناصر الدین:

در آن زمان که سپاهت جبال را هامون
کنند، و گردد از گردشان بحار قفار
جهان ز بحر و جبل بی نوا نخواهد ماند
ز حلم و جود تو خیزد دگر جبال و بحار
(گ ۱۸ر)

(در تجنیس لاحق):

ای خسروی^{۱۲} که خلق جهان را و ملک را
بخشنده چون بهاری و رخشنده چون نهار
(گ ۲۷ر)

(در جمع مع التّقسیم) در مدح سلطان محمود و وصف مفازه:

زمینش روده و سخت و درشت و اغبر بود
همین صفت‌ها در طول و عرض او مضمّر
چو روی ناخن روده، چو روی سندان سخت
چو روی اژه درشت و چو روی به اغبر
(گ ۱۰پ)

(در غلو):

پیدا شود عدوّ [و] ولی را ز دست او
در مغز کان آهن و در کیسه کان زر
(گ ۱۳پ)

(در مذهب کلامی) در مدح سلطان محمود:

همیشه دولت او پایدار خواهد بود
برین هزار دلیلست و صد هزار اثر
یکی دلیل تورا بس حدیث ابراهیم
که خوانده‌ای ز کتاب و شنیده‌ای به خیر
به وقت کودکی اندر که آن بتان بشکست
نهاد بر کتف آن بت بزرگ طبر^{۱۳}

۱۰. نسخه: «ستاننده».

۱۱. نسخه: «سخن گزار شد و حق گزار و نیزه گزار». برای تفاوت گزار و گزار: نک. صادقی، ۱۳۹۰.

۱۲. نسخه: «خسرو».

۱۳. مطابق ضبط نسخه.

برفت زود و بتان را شکسته دید آذر
چنین که کرد که از خشمشان نکرد حذر
تیر گرفته‌ست، اینک به سوی او بنگر
که او نه جارحه دارد نه حسّ سمع و بصر
که تو به دست خود او را نگاشتی^{۱۴} پیکر
کز و نه نفع پدید آیدت نه نیز ضرر
شکست و حجّت توحید گفت پیش پدر
بکرد باقی تا حشر بی فساد و غیر
هزار بتکده ویران، وزو سترده صور
بماند خواهد از امروز تا گه محشر
(گ ۱۴-پ ۱۵)

ز اختران^{۱۵} فلک تیز و ترست قمر
(گ ۱۵-پ)

جهان‌گشای مبارز کُشِ ره‌ی‌پرور
(گ ۱۶-پ ۱۷)

همیشه بی‌خطر و مانده در میان خطر
(گ ۲۸-پ ۲۹)

دستش معیل گشت و جهان سربه‌سر عیال
(گ ۲۸-پ)

چو سوی بتکده بایست رفت و وقت آمد
بگفت کای پسر این نامور خدایان را
جواب داد براهیم و گفت آن بت کرد
جواب داد که این فعل او چگونه بود
به رفق گفت براهیم کای پدر چونی
همی برون خدایش چرا نماز بری
به حکم آنکه بتی چند را خلیل خدای
خدای دولت اسلام را که ملت اوست
به سند و هند خداوند خسروان کرده‌ست
بس این دلیل که در خاندان او دولت

(در حسن تعلیل):

ز بهر آنکه بماند به نعل مرکب او

(در تسیق الصفات) در مدح سلطان محمود:

سخن‌شناس معانی‌فزای دانش‌دوست

(در ردّ العجز علی الصدر (تجنیس تام)):

بر خدای خطر مر تو را و دشمن تو

(در اشتقاق):

رایش محیط گشت و جهان سربه‌سر محاط

۱۴. نسخه: «به کاشتی»

۱۵. نسخه: «اختران».

در المام و سلخ) در مدح ابوالمظفر نصر بن ناصرالدین:

نکاستی مه از این فخر اگر بدانستی که سمّ اسبش را ماه پیکرست نعال
(گ ۴۳ ر)

در حسن مقطع) در مدح سلطان محمود:

همیشه تا شرف آرند عاقلان به هنر همیشه تا طرب آرند عاشقان به وصال
همی بود به جمال اندرون کمال نسا همی بود به کمال اندرون جمال رجال
به دل ز عقل بناز و به کف ز گنج ببخش به جان ز حق بغزای^{۱۶} و به تن ز لهور بیال
جهان گشای و بداندیش بند و گنج آگن حصار گیر و مخالف کش و سپاه آغال
ز دهر داد کریمان و اهل فضل بده و گر ستیزه کند دهر گوش دهر بمال
(گ ۵۲ پ)

در تعجب):

اگر منم ز دو دیده در آب غرقه شده چراست ساعد سیمین تو چو ماهی شیم؟
(گ ۱۹ ر- ۱۹ پ)

در تقابل) در مدح سلطان مسعود:

چون کاه سست باشد در پیش باد سخت در پیش حمله سبکش لشکر گران
(گ ۲ پ)

در جمع مع التفریق و التّقسیم) در مدح حسن میمندی:

ابر طوفان نوح دانستی ابر طوفان خواجه نیز بدان
آب از آن ابر بر زمین بارید زّاز این ابر بر جهان باران
سبب آن بُد عذاب را که گذشت سبب رحمت آمد این طوفان
(گ ۱۱ ر)

در تجنیس ناقص):

نشده آسوده رای تو ز عطا سوده شد دست خازن و وزان^{۱۷}
(گ ۲۵ پ)

۱۶. نسخه: «بغزای».

۱۷. نسخه: «وز آن».

(در المام و سلخ) در مدح سلطان محمود و در فتح حصار مهاون:

ز کشتگانِ سر تیغ شهریار عجم از آن حصار به دریای سِبر^{۱۸} شد چندان
که تا قیامت مر تیغ شاه عالم را همی برنند نهنگان و ماهیمان مهمان
(گ ۴۱ ر)

(در ارسال المثل):

شنیده‌ای که ز یک دست بانگ ناید هیچ دو دست باید تا بانگ برشود ز میان^{۱۹}
(گ ۴۹ ر)

(در ارسال المثل) در مدح خواجه حسن میمندی:

چون تو ای خواجه مر مرا گشتی گشت گیتی مرا کران به کران
چون خدای از کسی شود خشنود نه بهشتش به کار و نه رضوان
(گ ۴۹ ر)

(در ترصیح):

رضای او ز سعادت دلالتیست بزرگ هوای او ز جلالت علامت‌یست مبین
(گ ۳۰ ر)

۱۸. نسخه: «سنر». آبی که نزدیک حصار مهاون بوده، «جون» نام داشته (گردیزی، ۱۳۴۷: ۱۸۳)، ولی عنصری از نام دیگری یاد کرده است. با جستجو در منابع جغرافیایی و تاریخی نامی که به ضبط نسخه نزدیک باشد یافت نشد. ضبطی مانند «سند» هم نمی‌تواند درست باشد. در جدولی از نه‌های هند که در فی التحقیق ما للهند آمده، نام نه‌ری به شکل «سبر» دیده می‌شود که به ضبط نسخه نزدیک است و در متن آورده شد. البته ابوریحان در جای دیگری از کتابش درباره «سبر» و موقعیت جغرافیایی آن توضیحی نداده است و بنابراین نمی‌توان اطمینان داشت که این نهر از نظر جغرافیایی چقدر با قلعه یادشده ارتباط دارد (بیرونی، ۱۹۵۸: ۲۱۵). در منابع دیگر نیز این نام دیده نشد. سلطان محمود غزنوی در سال ۴۰۹ ق قلعه مهاون و چند قلعه دیگر را فتح کرده است (گردیزی، ۱۳۴۷: ۱۸۳). عنصری در قصیده‌ای طولانی به این فتوحات پرداخته است (به مطلع «قویست دین محمد به آیت فرقان / چنان که حجت سلطان به رایت سلطان») (عنصری، ۱۳۶۳: ۲۵۱-۲۵۶). دو بیت حاضر ظاهراً از همین قصیده است که کامل نبودن آن کاملاً مشخص است.

۱۹. هیچ بانگ کف زدن ناید به در از یکی دست تو بی دستی دگر

(مولوی، ۱۳۶۳: ۲۵۱/۲)

(در المام و سلخ) در مدح ابوالمظفر:

یک تنست از عدد چو درنگری
وز هنر، صد هزار تن^{۲۰} به یقین
(گ ۴۲ پ)

(در تقابل) مدح احمد بن حسن الحمدوی:

فلک بی ثباتست و تو باثباتی
جهان باعوارست و تو بی عواری
(گ ۲ پ)

چو طمّاع بینی چنان برفروزی
که گویی طمع را به جان خواستاری^{۲۱}
(گ ۳۸ ر)

(در اعتراض):

به روز جوانی^{۲۲} - که پاینده بادت -
چو پیر جهان دیده اندر وقاری
(گ ۴۹ پ)

این سه بیت اخیر در یک زمین سروده شده است و بنابراین به نظر می‌رسد که از یک قصیده و در مدح ابوسهل حمدوی باشد. به ویژه که بیت آخر متناسب با گفته‌های کسانی مانند بیهقی است. در تاریخ بیهقی ذیل حوادث ۴۲۴ق، به جوانی حمدوی نام اشاره شده (بیهقی، ۱۳۸۸: ۳۵۱/۱) و در جاهایی از این متن نیز از او با عنوان فردی کاردان و با کفایت یاد شده است (همان: ۱۳۹، ۳۸۱).

ردّ العجز علی الصّدر (اشتقاق)

ز گنج مال جستن تو ملولی
به رنج مال دادن بی ملالی
(گ ۲۹ ر)

در این گفتار به کمک نسخه ۴۰۰۰ کتابخانه ایاصوفیا، ۵۱ بیت جدید از عنصری که در دیوان و منابع چاپی موجود در پیکره‌ها نیست، ارائه گشت. متن رساله بدیع این مجموعه

۲۰. نسخه: «صد از تن». در دیوان قوامی رازی چنین آمده است: ای از عدد یکی، به هنر صد هزار مرد... (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۴).

۲۱. به صنعت موجود در این بیت اشاره واضح و صریحی نشده است.

۲۲. نسخه: «جوانی».

گذشته از آن‌که از نظر بلاغی اهمیت دارد، از نظر برخورداری از شعر شاعران قدیم نیز درخور توجه بسیار است و کاتب نسخه نیز در ثبت ابیات نسبتاً دقیق بوده است. وجود ۵۱ بیت نو از قصاید عنصری در این رساله نسبتاً کم‌حجم، اهمیت توجه به آن را در تصحیح‌های مجدد از دیوان عنصری نشان می‌دهد.

منابع

- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفين. به کوشش ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد. با نظارت علمی محمد قهرمان، ج ۵. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بشری، جواد (۱۳۹۸). «برخی ابیات فارسی از سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری در چند مأخذ کهن». کهن‌نامه ادب پارسی، س ۱۰، ش ۱: ۱۲۳-۱۴۶.
- بشری، جواد. مقدمه ← سیفی نیشابوری (۱۳۹۹).
- بیرونی، ابوریحان (۱۹۵۸م). فی التحقیق ما للهند. حیدرآباد دکن: مطبعة المجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- بیهقی، محمد بن حسین (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی، ج ۱. به تصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی. تهران: سخن.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۴۲۰ق). یتیمه الذهر فی محاسن اهل العصر، ج ۵. تحقیق مفید محمد قمیحه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۰). نفحات الانس. به تصحیح محمود عابدی. تهران: اطلاعات.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (بی تا). کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون. تحقیق محمد شرف‌الدین یالتقایا و المعلم رفعت بیلگه الکلیسی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی، محمدتقی (۱۳۹۰). فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۲. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابفروشی خیام.
- دبیرسیاقی، محمد. مقدمه ← عنصری (۱۳۶۳).

- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۵. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح سیروس شمیسا. تهران: نشر علم.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۳۳). راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق. به تصحیح محمد اقبال. تهران: امیرکبیر.
- سلطان‌زاده، شهناز (۱۳۹۷). «کمال خجندی». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با همکاری انتشارات سخن: ۹/۲۶۰-۲۶۲.
- سمرقندی، دولت‌شاه بن علاءالدوله (۱۳۸۲). تذکرة الشعراء. به تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- سیفی نیشابوری، علی بن احمد (۱۳۹۹). رسائل العشاق و وسائل المشتاق. نسخه‌برگردان دستنویس شماره ۳۰۰۵ در کتابخانه مالی ترکیه. به کوشش جواد بشری. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، با همکاری انتشارات سخن.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۹۰). «برگزار یا برگذار». فرهنگ‌نویسی، ش ۴: ۲-۱۵.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳. تهران: فردوس.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۵). اشعار فارسی پراکنده در متون تا سال ۷۰۰ هجری، ج ۲. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، با همکاری انتشارات سخن.
- عبدعلی، محمد (۱۳۷۲). «ابوسهل حمدوی». در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم بجنوردی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۵/۵۷۰-۵۷۲.
- عنصری، ابوالقاسم حسن بن احمد (۱۳۴۱). دیوان. به تصحیح یحیی قریب. تهران: ابن‌سینا.
- _____ (۱۳۴۲). دیوان. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه سنایی.
- _____ (۱۳۶۳). دیوان. به تصحیح محمد دبیرسیاقی، ج ۲. تهران: کتابخانه سنایی.
- _____ (۱۹۶۷م). وامق و عذرا. با مقدمه و تصحیح و تحشیه مولوی محمد شفیع. به کوشش احمد ربّانی. پاکستان: دانشگاه پنجاب.
- عوفی، محمد (۱۹۰۳). لباب الالباب. به تصحیح ادوارد براون، ج ۲. لیدن: بریل.
- فرّخی، ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۴۹). دیوان. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.
- قره‌بلوط، علی‌الرضا و احمد طوران (۲۰۰۱م). معجم التّاریخ التّراث الاسلامی فی مکتبات العالم. قیصری: دارالعقبه.

- قریب، یحیی. مقدمه ← عنصری (۱۳۴۱).
- _____ (۱۳۵۳). «هفت قصیده باز یافته از عنصری». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۴: ۱۲۵-۱۳۴.
- قزوینی، محمد (۱۳۶۳). یادداشتهای قزوینی. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی.
- قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۳۴). دیوان. به تصحیح میر جلال الدین حسینی. تهران: چاپخانه سپهر.
- گردیزی، عبدالحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۴۷). تاریخ گردیزی. به کوشش عبدالحی حبیبی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مشار، خان‌بابا (۱۳۵۱). فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۲. تهران: مؤلف.
- منزوی، احمد (۱۳۴۹). فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۳). مثنوی معنوی، ج ۲. به تصحیح رینولد نیکلسون. تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱. تهران: انتشارات فروغی.
- نوائی، علیشیر (۱۳۶۳). مجالس النفاثس. به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: کتابفروشی منوچهری.
- نیشابوری، ظهیرالدین (۲۰۰۴م). سلجوق‌نامه. به کوشش ای. ایچ. مورتن. بریتانیا: بنیاد یادگار ای. جی. دابل یو. گیب.
- واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴). ریاض الشعراء، ج ۳. به کوشش محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۶). جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق). به تصحیح محمد روشن. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۷). «ابوسهل حمدوی». در: دانشنامه ایران و اسلام. زیر نظر احسان یارشاطر. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب: ۱۰۵۳/۸-۱۰۵۴.
- Karatay, Fehmi Edhem (1961). *Topkapi Sarayi Müzesi Kütüphanesi Farsça Yazmalar Kataloğu*. İstanbul: Topkapi Sarayi Müzesi.